



باسمه تعالی

بررسی اشکال شهید صدر بر عقلی بودن وجوب و حرمت**بیان اجمالی اشکال شهید صدر به مدرسه محقق نائینی**

بحث در ارتباط با اشکالات مطرح شده توسط شهید صدر به مدرسه محقق نائینی بود. اجمال فرمایش ایشان بود که حکم عقل به وجوب نمی تواند مطلق بعث باشد. زیرا تا طلب و بعث شدید احراز نشود، عقل حکم به وجوب نمی کند. برای احراز بعث و طلب شدید هم، به دلالت دلیل لفظی نیاز هست. لذا نمی توان مساله را موقوف به حکم عقل کرد.

بیان دیگری در عقلی بودن وجوب و حرمت از محقق بروجردی

فرمایش شهید صدر بایستی در دو مرحله مورد بررسی قرار گیرد. مرحله اول اینکه آیا همه کسانی که وجوب و حرمت را مستند به حکم عقل می کنند، فقط همان بیان محقق نائینی را دارند؟ یا اینکه ممکن است بیان محقق بروجردی را بیان دیگری در حکم عقل دانست؟

قبلا بیان شد که در بیان محقق بروجردی سه نکته اصلی وجود دارد:

نکته اول، مهم فعل اختیاری مولاست نه لفظ

ایشان نشان دادند که مساله، مساله لفظ نیست بلکه مهم موضوع حکم عقل است که آن هم طلب یا بعث است و این موضوع می تواند به شیوه های مختلفی مانند تنطق به ماده امر یا صیغه امر و یا حتی بعث تکوینی محقق شود. اگر این موضوع محقق شد حکمی پیدا می شود به نام حکم عقل. پس مساله، مساله لفظ نیست و به کار رفتن ماده امر یا ماده نهی و صیغه امر و یا صیغه نهی از باب استعمال لفظ در معنا بلکه از باب فعل مولا مد نظر است.

نکته دوم، در صورت احراز «نوع اراده»، حکم بدون شک مطابق آن است

گاهی اوقات از قرائنی در فعل مولا نوع اراده مولا کشف می شود. و اگر از قرائن نوع اراده کشف شد و مشخص شد که مثلا این اراده، اراده شدید است، همین نشان می دهد که فعل مورد نظر واجب است. کما اینکه اگر قرائنی در فعل مولا نشان داد که اراده مولا اراده ضعیف است، در این صورت حکم به ندب می شود. البته وجود قرائن بر نوع اراده مولا، همیشگی نیست و گاهی اوقات این قرائن وجود دارد.

نکته سوم، محل بحث جایی است که فقط «جنس اراده» محرز است

وقتی قرائن دال بر نوع اراده مولا وجود نداشت و صرفا جنس اراده مولا مشخص بود، عقل یا عقلا از باب اینکه مولا علو دارد و وقتی بعث و زجر می کند باید واکنش نشان داد و نمی شود این بعث و زجر را به احتمال مستحب بودن یا مکروه بودن مخالفت کرد، حکم می کنند بر لزوم امتثال طلب مولا و مخالفت را در این فرض نمی پذیرند. و اصلا همین فرض محل بحث است. یعنی جایی که نوع اراده مشخص نیست و فقط جنس اراده مولا مشخص است.

نکته ای متفرع بر نکته سوم، عدم امکان اذن مولا در ترخیص در فرض محرز بودن جنس اراده

بر همین اساس ایشان نکته دیگری را هم مطرح می کنند که البته این نکته مورد قبول امام خمینی نیست. نکته مد نظر ایشان این است که بر اساس نکته سوم وقتی مولا، موضوع حکم عقل بر لزوم را ایجاد کرد و جنس اراده اش را برای مکلف مشخص نمود، دیگر نمی تواند اذن در مخالفت دهد. زیرا در این صورت تهافتی در فعل مولا بوجود می آید. کان ایشان با این بیان به محقق نائینی اعتراض می کنند. محقق نائینی گفته بودند بعث و طلب و زجر موضوع حکم عقل است مادامی که اذن در مخالفت نباشد و اگر اذن در مخالفت آمد، از آنها استحباب یا کراهت فهمیده می شود. در حالی که محقق بروجردی معتقدند در فرض احراز جنس اراده مولا برای مکلف، مولا دیگر نمی تواند اذن و ترخیص در مخالفت دهد. زیرا مولای حکیمی که می داند طلب موضوع حکم عقل است، دیگر نمی تواند فعل دیگری را محقق کند که با آن تهافت دارد. بر همین اساس ایشان نتیجه می گیرند که موارد استحباب و کراهتی که در فقه وجود دارد و در واقع قرینه ای بر استحباب و کراهت آنها وجود دارد، این قرینه نشان می دهد که در این موارد اصلا بعث و طلب وجود نداشته است. بلکه ادله آنها صرفا اخبار به رجحان متعلقشان هستند و نشان می دهند که اصلا طلب یا بعث و زجری وجود ندارد. فلذا وقتی در موارد استحباب و کراهت طلبی در کار نبود، دیگر تهافتی در فعل مولا وجود نخواهد داشت. در واقع ایشان در این حکم عقل یک ترقی دارند و آن اینکه وقتی موضوع این حکم عقل محقق شد دیگر امکان ندارد قرینه ای بر اذن در مخالفت از مولا صادر شود و اگر قرائنی بود این قرائن دلالت می کنند بر اینکه اینجا اصلا داعی بعث وجود ندارد و داعی صرفا ارشاد به رجحان متعلق است.

پس ایشان دو مقام را مطرح می کنند. یکی زمانی که نوع اراده فهمیده می شود و اگر نوع اراده شدید بود حکم به وجوب یا حرمت می شود. و مقام دوم جایی که نوع اراده مشخص نیست و فقط جنس اراده مشخص است اینجا هم ایشان می فرمایند حکم عقل بر وجوب یا حرمت است و امکان ترخیص بر مخالفت هم برای مولا وجود ندارد. و نزاع هم در همین مقام دوم است. (به عبارت دیگر همان نکته سوم در بیانات ایشان).

رد اشکال شهید صدر با توجه به توضیحات محقق بروجردی

امام خمینی ره در این قسمت اخیر (عدم امکان اذن مولا به مخالفت) با محقق بروجردی مخالفت دارند. لکن قبل از ورود به نظر مخالف امام ره در این زمینه، با توجه به فرمایشات محقق بروجردی می توان فرمایشات شهید صدر را مورد بررسی قرار می دهیم. با توجه به بیانات محقق بروجردی مشخص می شود که اشکالی که شهید صدر بیان نمودند، اصلا وارد نیست. زیرا شهید صدر گفتند گاهی اوقات از قرائنی می فهمیم که مولا راضی به ترک است. در این صورت دیگر حکم به وجوب نمی شود با توجه به همین مثال نتیجه گرفتند که ملاک حکم عقل به وجوب فقط همان اراده و طلب شدید است. و این ملاک هم فقط و فقط بوسیله دلیل لفظی قابل دست یابی است.

رد ادعای اول شهید صدر، محل بحث جایی است که فقط جنس اراده محرز است

بر اساس بیانات محقق بروجردی مشخص می شود که هر دو ادعای ایشان غلط است. اولاً اگر در فرضی مشخص شد که اراده شدید است و به عبارت دیگر نوع اراده مشخص شد، این فرض اصلا محل بحث نیست. بلکه محل بحث جایی است که فقط جنس اراده و ملاک مشخص است. پس اصلا مثال نقضی که آوردید، نقض به بحث نیست. البته ممکن است اشکال شهید صدر به مدرسه محقق نائینی وارد باشد که باید سر جای خود بررسی شود ولی به هر حال با بیانی که محقق بروجردی دارند این اشکال اصلا وارد نیست.

رد ادعای دوم شهید صدر، لفظ تنها راه کشف اراده مولا نیست

ثانیا فهم نوع اراده فقط متوقف بر دلیل لفظی نیست بلکه قرائن دیگر نیز می توانند نوع اراده را مشخص کنند. بیان محقق بروجردی این بود که مهم فعل مولا است و حتی جایی هم که استعمال لفظ در معنا وجود دارد باز از حیث اینکه تنطق است و تنطق فعل اختیاری مولا است، مورد نظر است نه از باب ظهور دلیل لفظی. فلذا حرف شهید صدر که فرمودند تنها راه شناخت نوع ملاک، دلیل لفظی است مورد مخالفت محقق بروجردی است و حق هم با محقق بروجردی است. فلذا تلاش شهید صدر برای ارتباط دادن بحث به تبادل و لفظ مورد قبول نخواهد بود.

بنابراین همین بیانات محقق بروجردی در نهاییه الاصول برای جواب شهید صدر کفایت می‌کند. به عبارت دیگر با تاکید بر این سه نکته: ۱. مهم فعل مولا است و حتی استعمال لفظ در معنا هم از باب تنطق که فعل مولا است مدنظر است. این فعل کشف از مراد مولا می‌کند. ۲. این فعل گاهی قرائنی دارد که علاوه بر جنس اراده، نوع اراده را مشخص می‌کند که این فرض هم محل بحث نیست. ۳. وقتی فعل مولا فقط جنس اراده مولا را مشخص کرد و نوع اراده مشخص نبود، عقلا حکم به لزوم می‌کنند و اینکه بعث و زجر مولا نباید نادیده گرفته شود. همین سه نکته برای جواب شهید صدر کافی است.

در ادامه مخالفتی که امام خمینی با محقق بروجردی دارند را بیان می‌کنیم و بعد در ادامه سراغ این سوال می‌رویم که آیا با توجه به مدرسه محقق نائینی و با توجه به تکمله‌ای که شاگرد ایشان محقق خوبی دارند آیا می‌توان جواب اشکال شهید صدر را داد؟

بررسی فرمایشات امام خمینی در زمینه کیفیت دلالت امر و نهی بر وجوب و حرمت

توجه امام خمینی به دو رتبه علل و معالیل حکم

امام خمینی ره سه نکته‌ای را که محقق بروجردی بیان کردند قبول می‌فرماید لکن نکته‌ای دارند که صحبت آخر محقق بروجردی مبنی بر عدم امکان اذن مولا در مخالفت در فرض محرز بودن جنس طلب را رد می‌کند. با توجه به این نکته امام ره عمق مغالطه شهید صدر نیز بهتر مشخص می‌شود. نکته امام ره این است که در مورد حکم شرعی یک سری علل وجود دارد و یک سری معالیل. حکم شرعی بر مبنای مختار یعنی بعث و از نظر مشهور یعنی وجوب. هر وقت ما گفتیم وجوب، در واقع بر مبنای مشهور مشی نموده ایم و الا ما وجوب را موضوع له و مستعمل فیه نمی‌دانیم بلکه معتقدیم وجوب بعد از استعمال لفظ در معنای خود انتزاع می‌شود. تا این مقدار مدرسه محقق نائینی هم با ما همراه است. به هر حال چه بگوییم وجوب یا الزام یا بعث فرقی ندارد. این بعث یا وجوب یک سری علل دارد و یک سری معالیل. وقتی مولا مصلحت ملزومه‌ای را تصویر می‌کند سپس تصدیق نموده و نسبت به آن شوق پیدا می‌کند و در ادامه این شوق شدید شده و شوق موکد حاصل می‌شود، اراده محقق می‌شود.^۱ این مراحل (تصور مصلحت، تصدیق مصلحت، شوق به مصلحت، اراده مصلحت) هیچ کدام خود حکم نیستند بلکه در رتبه علل حکم می‌باشند. به عبارت دیگر فاعل مختاری وجود دارد که می‌خواهد طلب یا بر مبنای مختار بعث و

^۱ البته ما به تبعیت از آقای طباطبایی و برخی اصولیون قبول نداریم که شوق موکد همان اراده باشد.

زجر کند، این مقدمات مواردی هستند که بای تام الفاعلیه شدن فاعل مورد نیاز هستند و به آنها علل حکم می‌گویند.^۲ وقتی حکم به وجود آمد، این حکم یک سری معالیل دارد. یعنی بعد از شکل گیری حکم، مواردی بر حکم مترتب می‌شود که در رتبه معالیل وجود دارند.

حرف امام ره این است که عقل در دو مقام نقش آفرینی می‌کند. یک بار در رتبه علل کاشف است و یک بار در رتبه معالیل حکم می‌کند. عقلی که محل بحث است، عقل در وادی امتثال است. و عقل در وادی امتثال، عقل در رتبه معالیل حکم است. و این عقل هیچ ربطی به عقلی که کاشف علل حکم است ندارد. با توجه به همین نکته است که اینکه گفته شود عقل یا عقلا، حساب کتاب دقیق تری پیدا خواهد کرد. به عقلی که در رتبه علل مد نظر است می‌توان گفت «عقل نظری». در واقع می‌خواهد کشف کند یک واقعیتی را که آن واقعیت مثلاً ملاک یا شوق یا اراده است.^۳

ثمرات توجه امام ره به دو رتبه علل و معالیل حکم

ثمره اول، رد اشکال شهید صدر

اینجاست که به شهید صدر باید گفت این عقلی که کاشف از علل است، ربطی به عقلی که در رتبه معلول حکم است و می‌خواهد در وادی امتثال نقش آفرینی کند، ندارد. البته یک نکته فنی اصولی هم بر این تفکیک بار می‌شود که بعداً بیان خواهد شد. یکی از نکاتی هم که باید بحث شود این است که ملازمات، مستقلات است یا ملازمات غیر مستقلات؟ و محقق اصفهانی در بحث صغری و کبرایی که کردند با غفلت از همین نکته اخیر دچار خلط شده‌اند زیرا مستقلات یک حکم دارند و غیر مستقلات حکمی دیگر دارند.

به هر حال از آنچه تاکنون توضیح داده شد مشخص می‌شود که حکم چه وجوب و حرمت باشد و یا بعث و زجر باشد، یک بار عقل می‌خواهد در رتبه علل حکم، کاشف باشد و یک بار عقل در رتبه معالیل حکم می‌خواهد عمل کند.

^۲ در بحث مقدمه واجب بیان شد که این علیت چه نوع علیتی است.

^۳ البته عقل در این مرتبه نوعاً نمی‌تواند چنین مواردی را کشف کند.

ثمره دوم، رد ادعای محقق بروجردی مبنی بر عدم امکان اذن مولا در مخالفت در فرض احراز جنس اراده مولا

امام خمینی می فرمایند اگر کسی به تفکیک بین این دو رتبه توجه کند اولاً عمق فاجعه در بیانات شهید صدر مشخص می شود. زیرا آنجا که ایشان فرض کردند که اگر کسی به ملاک ملزم رسید، اصلاً محل بحث نیست و این همان نکته ای است که محقق بروجردی هم فرمودند.^۴

با توجه به همین نکته به آقای بروجردی اشکال می کنیم که اگر این دو رتبه از هم به خوبی تفکیک شود آن نکته آخری که شما فرمودید هم رد می شود. زیرا اینکه شما می فرمایید اذن در مخالفت تهاافت ایجاد خواهد کرد، در واقع دوباره این دو رتبه را با هم خلط کرده اید.

مقرر: علی اکبر اژه ای

^۴ در دروس قبلی وقتی این مباحث ذیل بحث امر مطرح شد به صاحب المحصول و آیت الله فاضل اشکال گرفتیم که شما نتوانسته اید این نکته محقق بروجردی را به درستی توضیح دهید. در واقع بهترین توضیح کلام محقق بروجردی را امام ره داده اند.